

موضوع: زیبایی‌های عاشورا(۵)

تاریخ پخش: ۸۴/۱۱/۲۷

بسم الله الرحمن الرحيم

در بعضی از جاها نمایشگاه می‌زنند، نمایشگاه فرش، چرم، کفش، کتاب، صنایع، کربلا هم نمایشگاه چهره‌ها بود.

\*زیبایی‌های عاشورا

### ۱- اتهام زدایی

مسلمان باید جوری حرکت کند که مورد اتهام و تهمت قرار نگیرند، فردا نگویند امام حسین(ع) خواست حکومت را به دست بگیرد ولی دست نیامد، مثل فوتبالیستی که می‌خواهد گل بزند نمی‌شود، یا کاندیدا شد رأی نیاورد، کربلا مسأله‌ی گل زدن و نماینده شدن نیست، امام حسین(ع) فرمود:

این سفر سفر استثنایی است. «وَأَتَى لَمْ أَخْرَجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي صَ أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَ أَبِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ(ع)» (بحار الانوار/ج ۴۴/ص ۳۲۹) (بدرستی که من خارج نشدم از وطنم برای طغیان). کلمه «اشرا» دو بار در قرآن هم آمده: «سَيَعْلَمُونَ غَدًا مَنْ الْكَذَّابُ الْأَشْرُ» (قمر/۲۶) (من بخاطر طغیان و سرکشی خارج نشدم). «وَلَا بَطْرًا» برای عیاشی قیام نکردم «وَلَا مُفْسِدًا» برای فساد نیامده‌ام «وَلَا ظَالِمًا» و نه برای ظلم. برای اینکه فردا تاریخ را تحلیل غلط نکنند. حتی علی اصغر را هم می‌آورد و حال آنکه می‌دانست که شهید می‌شود، تا تاریخ پیرسد که او چه گناهی کرده بود؟ تا نشان بدهم که بنی امیه و یزید و ابوسفیان چه کسانی هستند.

### ۲- قصد قربت

صله رحم، آشتی، کمک، اگر نیت‌ها خیر باشد، حتی هر چرخ که می‌چرخد ارزش دارد. یکوقت رفتن اداره برای استخدام و خرجی زن و بچه است، یکوقت هم برای اینکه مملکت امنیت می‌خواهد، می‌خواهم عمرم را فدای امنیت جامعه بکنم، اگر به قصد امنیت باشد همان حقوق هم هست، اما کفش را هم که واکنس می‌زنی در حال عبادت، و خواب، حمام، مسواک هم مقدس می‌شود. مثل اینکه می‌خواهی افطاری بدهی به روزه دار، سبزی هم که پاک کردن، درصف نانوائی، رنگ عبادت پیدا می‌کند. می‌توانیم سفرهای عید، هم عبادت باشد با نیت مقدس، یکوقت پول به صندوق صدقات می‌اندازیم برای سلامتی امام زمان(ع) و همه مسلمانها، این می‌شود عبادت، یا صورت را که می‌شوئیم برای خنکی، اگر به نیت وضو باشد عبادت است، و تاهر زمان با وضو باشی با نور هستی چون وضو نور است، شیرجه به چه قصدی؟ قصد غسل جمعه کن.

با نیت پاک تمام حرکت‌ها می‌شود برای خدا باشد. و ذخیره شود. قرآن می‌فرماید:

«وَقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ» (بقره/۲۲۳) ( برای آینده خود ذخیره کنید.) چطور حقوق کارمندان را برای بازنشستگی و برای تأمین اجتماعی، و تأمین آینده ذخیره می کنند، از خانه بیرون می آیم یک سنگ جلوی راه است ممکن است که این سنگ مزاحم دیگری شود، سنگ را کنار بگذاریم، امام حسین (ع) فرمود: من برای طغیان نمی روم، البته حکومت هم حق اهل بیت است، باید دست اهلش باشد.

### ۳- توجه به حیات و مرگ واقعی

اگر بگویند زندگی چیست؟ بگوییم: خوراک، پوشاک و مسکن، خانه، ماشین، تلفن، مدرک، حقوق، پست، می فرماید: نه: «مَوْتُ فِي عِزٍّ خَيْرٌ مِنْ حَيَاةٍ فِي ذُلٍّ» (بحار الانوار/ج ۴۴/ص ۱۹۱) انسان بمیرد که عزیز باشد بهتر است از زندگی که ذلیل باشد.

لذا فرزند امام حسن مجتبی (ع) حضرت قاسم (ع) فرمود: مرگ با عزت برای من از غسل شیرین تر است. یعنی چه؟ ما زنده باشیم رئیس حکومت بیزید باشد، بمیریم بهتر است.

خوشبخت کیست؟ فلانی، چه خانه ای! خانه اش سوپر دولوکس است اما به همه بانکها وام بدهکار است، لباسهایش شیک است، اما برای بدهکاری مردم طلبکار به او فحش می دهند، مدرک بالا است ولی در امتحانات تقلب کرده، پولدار شد اما کلاهبردای کرد، بنابراین انسان روی گونی بنشیند که حلال باشد بهتر از این است که روی قالی بنشیند که حرام باشد.

اگر عروس و دامادها این را بدانند و توجه داشته باشند آمار طلاق کم می شود، آمار طلاق بالا رفته است چون عروس یا داماد قانع نیستند، داماد قانع نیست به جهازیه، بعضی هم که بی شعور هستند، دامادی نگاه به جهازیه عروس کرد و گفت: جهازیه کمیته امدادی است؟ عروس هم از برخورد او گریه کرد، بله این ساعت را هم که خالهات برای تو آورده آن هم دختر عمهات آورده، خودت چیزی نداشتی ها! فامیلها برایت جمع کردند، عروس از ساعت اول ماشین لباسشویی و یا تخت خواب نداشته باشد، عروس کمدی خریده که از در خانه داخل نمی رود. چرا؟ بخاطر یک خمره سر یک گاو را جدا میکنند و بخاطر یک مقدار پارچه قادسیه را آتش می زنند، آمار طلاق بالا می رود. دست خود ما است، روی میخ نشسته ایم می گوئیم آخ، بلند شو آنطرف بنشین، یکسری بدبختیها بخاطر این است که من قانع نیستم. و انسانیت فدای چوب و آهن و نخ و پشم می شود. قناعت نیست.

امام حسین (ع) فکر ما را عوض کرد، فکر ما پول و دلار و ماشین و مقام و خانه بود، فرمود: که عزت و ذلت در چیست.

### ۴ - افشاگری

البته افشاگری هم بجا و هم نابجا داریم، نابجا اینکه من گناهی از شما سراغ دارم آبروی شما را می ریزیم، این غیبت و گناه حرام است، سخن چینی حرام است در افشاگری، آبروی مؤمن را نباید بریزد، غیبت حرام است. قرآن می فرماید: (غیبت مثل خوردن گوشت مرده برادر مؤمن است.)

چون گوشت زنده را بکنی جای آن پر می‌شود اما گوشت مرده پر نمی‌شود، در غیبت هم آبروی طرف را می‌ریزی که جای آن پر نمی‌شود.

حدیث داریم: اگر کسی غیبت کند همه عبادت هایش هوا رفته و پاک می‌شود.

سؤال: این همه عبادت کرده‌ایم بخاطر یک دقیقه غیبت برود هوا؟

جواب: بله، آنکه آبرویش را ریختی سالها ی زیاد آبرو کسب کرده بود، با یک کلمه آبروی چندین ساله او هوا رفت. همینطور که با یک کلمه آبروی چندین ساله او را هوا کردی خدا با همین کلمه عبادت چندین ساله تو را هوا می‌کند، این هم عدالت است. گناه هم که کیلویی نیست، گاهی یکی سوزنی به توپ می‌زند، بازی لغو می‌شود، بخاطر یک سوزن، کیلویی که نیست.

پس افشاگری نابجا غیبت است، در جلسات دید و بازدید خوش و بش می‌کنیم سعی کنیم که غیبت نکنیم. خدا رحمت کند حضرت امام خمینی (ره) را، که به رفقاییش می‌گفت به شرطی با شمامی آیم تفریح که نماز اول وقت ترک نشود. اما افشاگری بجا، امام حسین (ع) هم افشاگری می‌کرد، در نامه‌ای به مردم کوفه نوشت: ای مردم کوفه شما کسانی هستید که پدر، برادر و پسر عمویم مسلم بن عقیل را کشتید. و نامه‌ای به معاویه نوشت که:

«أَلَسْتُ قَاتِلَ حَجْرِ بْنِ عَدِيٍّ،» (آیا تو قاتل حجر بن عدی نیستی؟)

قرآن هم می‌فرماید: مجرمین را افشا کنید. «وَلِتَسْتَبِينَ سَبِيلَ الْمُجْرِمِينَ» (انعام/ ۵۵)

برای مجرم بگو که چنین دسته گلی آب داده است، یکی می‌خواهد رئیس جمهور، وکیل، وزیر شود، و مسؤولیت به عهده بگیرد و شما می‌دانی که نااهل است، لازم است که افشاگری کنیم، اگر نمی‌خواهد مسؤول شود چرا غیبت می‌کنیم؟ یک جاهایی باید افشاگری کرد، یکی عمامه سیاه گذاشته است می‌گوید: من سید هستم باید گفت آقا این سید نیست عمامه‌اش دروغی است، می‌گویند آقای دکتر، این پزشک نیست. عجله داری؟ درختهایی که زود سبز و گل می‌دهند زود هم سرما می‌خورند.

امام حسین (ع) جوان بود آمد مسجد دید خلیفه دوم منبر رفته، فرمود: «أَنْزِلْ» بیا پایین «مَنْ مَنبَرِ أَبِي» اینجا جای پیغمبر است. گفت: راست می‌گویی این منبر پیغمبر است. از جاهایی که خلیفه دوم اقرار کرد که حق با امام حسین (ع) است.

#### ۵- نوشتن و ثبت سخن

امام حسین (ع) فرمود: «اسْمَعُوا وَ اَكْتُبُوا» گوش بدهید و بنویسید «ارْجِعُوا» برگردید به شهرهایتان حرفهای من را برای دیگران نقل کنید.

ما اگر خاطراتی که با آن‌ها می‌خندیم را بنویسیم هر کسی یک کتاب طنز خواهد داشت چه شعر قشنگ، چه حدیث نابی شنیده‌ای، هفتاد سال می‌گوییم: «اللَّهُ الصَّمَدُ» یعنی چه؟ نمی‌دانیم، دل ما خوش است دیپلم یا لیسانس هستیم.

وزارت علوم هم یک قانونی دارد که اگر کسی تحقیقی کرد و رساله‌ای برای لیسانس و فوق لیسانس و دکترا نوشت فقط یک نسخه دست خود نویسنده است یک نسخه هم باید در بایگانی دانشگاه باشد، گفتیم: بعضی از رساله‌ها قابل استفاده است می‌شود به ما بدهید؟ بالای هزار تا رساله است، گفتند: ما مجاز نیستیم، چرا؟ قانون است، این با گنج چه فرقی می‌کند تاجر پولش را احتکار پول، احتکار گندم، این هم احتکار علم، گفتند می‌ترسیم تقلب کنند، گفتیم: الآن دنیای کامپیوتر هست همه را می‌توانند ببینند.

#### ۶- اعتراف گرفتن

امام حسین (ع) نه بار در سخنرانی روز عاشورا فرمود:

«أَشِدُّكُمْ بِاللَّهِ» یعنی شما تو را به خدا، شما تو را به خدا مادرم زهرا (س) نیست، شما تو را به خدا پدرم علی بن ابی طالب (ع) نیست، فردا نگوئید غافل، خام و خواب بودیم.

#### ۷- انجام وظیفه

حضرت فرمود: «قتلنا ام ظفرنا» (کشته بشویم یا پیروز بشویم ما باید وظیفه‌مان را انجام بدهیم).

باران نمی‌آید حضرت آیت الله، امام جمعه، عالم بزرگوار، شما نماز باران بخوان، باران نیاید آبرو می‌رود، این چه حرفی است؟ مثل اینکه به فوتبالیست بگویی برو گل بزن بگوئید نه من نمی‌آیم می‌ترسم برویم گل نزنیم، فوتبالیست باید برود بازی‌اش را بکند زد زد خورد خورد، باید نماز باران بخوانیم، اگر نیامد یکبار دیگر می‌خوانیم، وظیفه ما این است که وقتی باران نمی‌آید نماز باران بخوانیم، خدا هم کار خودش را می‌کند.

امام حسین (ع) فرمود: وظیفه ما این است که در مقابل مثل یزید قیام کنیم «قتلنا» کشته شدیم «الحمد لله رب العالمین»، «ظفرنا» پیروز هم شدیم، «الحمد لله»

درس بخوانیم، مدرکش چیست؟ درس، درس است گرچه مدرک ندهند، سلام کن، کیست؟ هر که می‌خواهد باشد، انسان است، جماد که نیستیم. یارک می‌رویم برای تفریح، نماز هم بخوانیم، نباید بخاطر اینکه بعضی نشسته‌اند خدا را فراموش کنیم. امام حسین (ع) روز عاشورا در بحبوحه جنگ نماز خواند. رفته‌اید در روستا، دور هم جمع شوید کمبود روستا را، جاده یا درمانگاه، یا مدرسه است حل کنید. می‌توان از این دید و بازدید و صلح رحم‌ها خیر تولید کرد. حرکتی که اخیراً انجام شد، دو سه تا پولدار پول روی هم گذاشتند، روستا به روستا کسانی که بالای شصت سال دارند و هنوز زیارت امام رضا (ع) نرفته‌اند و معلوم است که زندگی‌اش مشکل دارد به مشهد فرستادند. کار قشنگی است.

یکی از مراجع تقلید اول طلبگی اش بود، یک تاجر تبریزی دید طلبه‌ی تیز هوشی است گفت: من خرج تو را می‌دهم برو درس بخوان، خرجی ایشان را داد مرجع شد. گاهی یک دانشجو اگر خرجی‌اش را داده شود دانشمند می‌شود، نشسته تخمه می‌شکند تا مدل ماشین‌اش را عوض کند، برای قیامت چه ذخیره می‌کنی؟

خدایا تو را به حق محمد و آل محمد اعتقاد ما را روز به روز قوی‌تر بفرما.

«والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»